

در باره زندگی رفیق شهید حمید قباخلو



چریک فدائی خلق رفیق حمید قباخلو از جمله انقلابیونی بود که در جریان کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ به دست دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام شد. او از زمره نوجوانان مبارز و از نسلی بود که مغرور و سرفراز با الهام از مبارزات انقلابیون مسلح جان برکف، پا به میدان مبارزه علیه استعمارگران حاکم و رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی گذاشته بود. رفیق حمید در مقابل دشمنان کارگران و زحمتکشان ایستاد و سرانجام جان شیرین خود را در راه آرمانهای بزرگی که به آنها اعتقاد داشت، بی دریغ فدا نمود. جنایتکاران حاکم پس از مدتها بی خبر نگاهداشتن خانواده رفیق از خبر اعدام وی، سرانجام در ۱۹ آبان سال ۶۷، ساک حاوی وسایلیش را به خانواده وی تحویل دادند و به این ترتیب چند ماه پس از جنایت انجام شده بود که اعضای خانواده از آنچه که جلادان جمهوری اسلامی بر سر فرزند مبارزشان یعنی رفیق حمید قباخلو آورده بودند، مطلع شدند. مزدوران جمهوری اسلامی، این خفاشان شب پرست که خون هزاران جوان مبارز و کمونیستی چون حمید را در تابستان سال ۱۳۶۷ بر زمین ریخته بودند، هرگز نه قادر به لاپوشانی جنایات خود شدند و نه توانستند با خاموش

کردن توده های مبارز و آزادیخواه ایران به اهداف جنایتکارانه خود برسند. چرا که از آن زمان به بعد گلزار خاوران به میعادگاه خانواده هائی تبدیل شد که عزیزانشان به دست رژیم جمهوری اسلامی به قتل رسیده بودند. اعضای خانواده رفیق حمید نیز در هر فرصتی با در دست داشتن عکس او، همراه با مادران هزاران شهید دیگر در گلزار خاوران یاد وی و یارانش را گرامی می دارند.

چریک فدائی خلق رفیق حمید قباخلو در سال ۱۳۴۵ چشم به جهان گشود. در شرایطی که وی دوران نوجوانی اش را طی می کرد، در بستر انقلاب مردم مبارز ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، سلطنت سرنگون شده و جمهوری اسلامی جهت سرکوب همین انقلاب به قدرت رسیده بود، از سال ۵۷ تا ۶۰ که هنوز جمهوری اسلامی نتوانسته بود پایه های قدرت خود را آنطور که لازم داشت محکم کند، شرایط هرج و مرجی بر کشور غالب بود و این شرایط به سازمانهای سیاسی امکان می داد تا با برگزاری میتینگ ها و پخش نشریات خود تحلیل ها و مواضع شان را در سطح جامعه تبلیغ کنند. تسهیل نسبی شرایط مبارزه با یورش ددمنشانه و سراسری جمهوری اسلامی در ۳۰ خرداد به مردم رنج دیده و سازمانهای انقلابی به پایان رسید. در این برهه، گُردستان که هنوز به قدرت آتش پیشمرگان خلق گُرد، از سلطه منحوس جمهوری اسلامی آزاد باقی مانده بود، به پایگاهی برای پیوستن جوانان مبارز و ارتباط با سازمانهای سیاسی تبدیل شد. در چنین اوضاع و احوالی بود که رفیق حمید به گُردستان آمد و با توجه به گرایش به سازمان چریکهای فدائی خلق و شناختی که از مواضع و تحلیل های سازمان ما پیدا کرده بود، به صف پیشمرگان سازمان ما در گُردستان پیوست و انرژی مبارزاتی خود در راه رسیدن به آزادی و بهروزی خلق های تحت ستم را در اختیار چریکهای فدایی خلق گذارد.

رفیق حمید در گُردستان با نام "کاک عطا" شناخته می شد. او با متانت و وقار خود در میان جمع محبوبیت داشت و پیشمرگه ای منضبط، رفیقی پرکار و بسیار پر انرژی بود. ظاهری آرام ولی روحیه ای بشاش و دوست داشتنی داشت. رفیق حمید ورزشکار و پر شور و بهترین والیبالیست مقرر پیشمرگان سازمان بود. وی پس از مدتی در سال ۶۴ برای دیدار خانواده به تهران رفت و متأسفانه در ۱۷ شهریور ماه سال ۶۵ در خیابان پیروزی تهران شناسائی و دستگیر شد. از شهریور ۶۵ تا زمان اعدامش، نزدیک به دو سال شکنجه ها و اذیت و آزارهای دژخیمان جمهوری اسلامی را در سیاهچالهای این رژیم جنایتکار با پوست و گوشت خود تجربه کرد. کاک عطا از پیشمرگان دلیر سازمان ما و جنبش خلق گُرد بود که در مدتی که در صفوف خلق گُرد با جمهوری اسلامی می جنگید، لحظه ای از مبارزه با دشمن باز نایستاد و در چند عملیات نظامی علیه مزدوران جمهوری اسلامی دلیرانه شرکت کرد.

کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷، یکی از جلوه های آشکار ماهیت رژیم جنایتکاری است که تجربه نشان داده هرگز امکان اصلاح آن وجود ندارد و برای نابودی آن همانطور که رفیق حمید نشان داد، باید سلاح به دست گرفت و جنگید. رژیمی که قاتل هزاران تن از بهترین فرزندان مردم ما بوده و موجودیت استعمارگرانه و ضد خلقی اش باید در آتش انقلاب مردم به آتش کشیده شود. به همین دلیل هم کمونیستها همواره فریاد زده اند که "نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم! با انقلاب علیه استثمارگران، به آتش می کشیم بساط دار و شکنجه را".

یاد رفیق حمید قباخلو جاودان و راهش پر رهرو باد!